

بررسی تطبیقی تأثیر فضای شهری بر میزان مشارکت شهروندان (مورد مطالعه: محلات شهر تبریز)

ابوالفضل قنبری^۱

چکیده

هدف از این مقاله، بررسی تأثیر فضای شهری بر میزان مشارکت شهروندان در محلات شهر تبریز است. روش تحقیق پژوهش حاضر، اسنادی و پیمایشی بوده و از ابزار پرسشنامه و مطالعات کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر خانوارهای ساکن شهر تبریز در سال ۱۳۸۵ و تعداد نمونه آماری ۴۵۰ خانوار بوده که بر اساس فرمول کوکران برآورد شده است. همچنین در این تحقیق از روش نمونه‌برداری طبقه‌های متناسب توأم با تصادفی سیستماتیک استفاده شده است و نمونه‌ها از مناطق با ارزش منطقه‌ای متفاوت و بافت‌های قدیمی و جدید با فرهنگ‌های مختلف نظیر مناطق ولیعصر، محدوده مرکزی شهر، باغمیشه، یاغچیان، شهرک امام و سیلاب قوشخانه انتخاب شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از آمارهای توصیفی و تحلیلی موجود در نرم‌افزارهای SPSS و Lisrel استفاده شده است. لازم به ذکر است که بر اساس محاسبه آلفای کرونباخ، می‌توان گفت میزان پایایی ابزار تحقیق ۰/۸۱ بوده است. نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان می‌دهد که میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهری متوسط به بالا بوده است. اما این میزان نسبت به محلات مختلف در نوسان بوده و بالاترین آن اختصاص به شهرک امام و پایین‌ترین آن به محدوده مرکزی شهر اختصاص دارد. همچنین متغیرهای جنس، نوع مالکیت، منطقه سکونت، تحصیلات، قدمت سکونت و احساس تعلق میزان مشارکت شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از میان این عوامل، احساس تعلق، تحصیلات و قدمت سکونت مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر مشارکت شهروندان محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: فضای شهری، مشارکت، محلات تبریز.

مقدمه

در چند دهه اخیر شهرنشینی یا به عبارتی بهتر فرا شهرنشینی در کشورهای جهان سوم منجر به ظهور کلانشهرهای زیادی در این کشورها شده است که این شهرهای میلیونی مسایل و تبعات منفی متعددی را به همراه خود داشته‌اند. بی‌شک حل مسایل و مشکلات این شهرها تنها در سایه مشارکت آگاهانه شهروندان در اداره امور شهرها میسر خواهد بود. از آنجا که یکی از مهم‌ترین پارامترها در رشد و بالندگی یک شهر و نایل شدن به توسعه پایدار شهری، مشارکت افراد در روند تصمیم‌گیری و اجرای پروژه‌ها است. به‌ویژه، در شهرهای جهان سوم به علت کمبود امکانات، ضعف توان فنی و مالی شهرداری‌ها و... لزوم بهره‌گیری از تمام توان شهروندان جهت ارتقای کیفیت سکونتگاه‌ها بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

توجه به پدیده مشارکت و تأکید بر نقش آن به‌عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه، تا حد زیادی پس از شکست راهکارها و برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، مطرح گشته است (نیازی، ۱۳۸۱). به این خاطر بود که سازمان بین‌المللی یونسکو اعلام نموده است که اکنون توسعه باید از مردم، از آنچه انجام می‌دهند و از آنچه که می‌اندیشند و باور دارند، آغاز شود (فردرو و رضوانی، ۱۳۸۱). چنانچه بر اساس گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد، در مراسم شهرداران که از ۲۸ تا ۳۱ جولای ۱۹۹۷ در سازمان ملل متحد صورت گرفت، از ۱۵۱ شهردار جهان در خصوص مشکلات مهم شهرهای جهان پرسش‌هایی به عمل آمد که بر اساس نتایج ارایه شده است، مواردی نظیر مشارکت شهروندان، جمع‌آوری ناکافی زباله، تراکم ترافیک و جزو آن، به‌عنوان مشکلات عمده شهرهای جهان مطرح شد (رضویان، ۱۳۸۱: ۳۶-۳۵). در دهه ۱۹۷۰، رشد نواحی سکونت‌شهری به صورت غیر رسمی و حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه، نیاز به اصلاحات شهری را آشکار ساخت. اصلاحاتی که اولاً باعث تغییرات اساسی در زمینه مدیریت خدمات اساسی شهری شده و ثانیاً، مشارکت شهروندان را در امور مختلف شهری افزایش دهد (Schubler, 1996).

ارنشتاین^۲ در زمره اولین افرادی بود که مشارکت شهروندی را در سال ۱۹۶۹م. با تعبیر

قدرت شهروندی به کار گرفت و برای توضیح آن از استعاره نردبان مشارکت استفاده کرد. در اواخر دهه ۱۹۷۰ م. سازمان بهداشت جهانی، اصطلاح مشارکت شهروندی را برای نخستین بار در بحث مراقبت‌های اولیه بهداشتی مطرح کرد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۴-۴۳). با شروع دهه ۱۹۹۰، تحقیق در حوزه‌ی مشارکت جهت‌گیری تازه‌ای یافت؛ و مقالات زیادی در خصوص تأثیر طبقه، تفاوت‌های خانوادگی، آموزشی و جزو آن، بر امر مشارکت به رشته تحریر درآمد (Edwards & Booth, 1973). در نهایت امر این که، الکس دوتوکویل از اواسط قرن ۱۹ م. مشارکت عمومی در زندگی مدنی شهری را مطرح کرد (Baum, 2001: 1840-1841).

مطالعات متعددی در زمینه مشارکت شهری در مقیاس داخلی توسط پیران (۱۳۷۸: ۴۰-۲۵)؛ علوی تبار (۱۳۸۲: ۶۵-۵۴؛ ۱۳۷۹: ۷۶-۱۵)؛ نجاتی حسینی (۱۳۸۰: ۳۲-۲۷)؛ مهدیزاده (۱۳۸۰: ۵۷-۴۷)؛ یاور (۱۳۸۰: ۳۵۲-۱)؛ کلدی (۱۳۸۱: ۲۰-۱)؛ شیبانی (۱۳۸۱: ۸۰-۶۰)؛ حبیبی و سعیدی رضوانی (۱۳۸۴: ۱۵)؛ سعیدی رضوانی (۱۳۸۵: ۸۰-۱۲)؛ رضادوست و دیگران (۱۳۸۸: ۲۴۲-۲۲۷)؛ تقوایی و دیگران (۱۳۸۸: ۳۶-۱۹) و همچنین در مقیاس خارجی توسط هیرشی^۳ و رنک^۴ (۱۹۹۹: ۱۷۴-۱۵۵)؛ توگی^۵ (۲۰۰۴: ۵۲۸-۵۰۹)؛ مارشال^۶ (۲۰۰۴: ۲۴۴-۲۳۱)؛ ریوری^۷ (۲۰۰۵: ۲۰۰-۱)؛ روس^۸ (۲۰۰۶: ۴۱۶-۱)؛ گرینویک^۹ (۲۰۰۵: ۱۰۸-۱)؛ سیلورمن (۲۰۰۶: ۱۵۳-۱۳۸) و دیگران صورت گرفته است. تفاوت مطالعه حاضر با مطالعات پیشین، بررسی تأثیرات ارزش منطقه‌ای بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری در مناطق مختلف شهر تبریز است.

بیان مسأله

شهرهای جهان سوم آسیب‌پذیرترین شهرهای جهان هستند. از این رو پیامدهای شهرنشینی

3- Hirschi
4- Rank
5- Togeby
6- Marshal
7- Rebori
8- Rose
9- Grinrik

و شهرگرایی در شهرهای جهان سوم نیز در مقایسه با شهرهای کشورهای پیشرفته بسیار حادث‌تر است و به تبع آن مشکلات نظام مدیریت شهری در جهان سوم نیز بیشتر و جدی‌تر است. یکی از مشکلات شهری جهان سوم، رشد فزاینده جمعیت شهری است. به عنوان نمونه «در حالی که در سال ۱۹۰۰ میلادی از هر ۸ نفر فقط یک نفر در مناطق شهری زندگی می‌کرده است. طی دوره ۱۹۹۰ تا دوره ۲۰۳۰ جمعیت نواحی شهری تا حدود ۳/۳ میلیارد نفر رشد خواهد کرد که از این میزان ۹۰ درصد در نقاط شهری کشورهای در حال توسعه خواهد بود (موسی کاظمی محمدی، ۱۳۸۰: ۹۶). با توجه به گسترش روزافزون شهرنشینی و رشد کلانشهرها، پیچیدگی فزاینده‌ی زندگی شهری و نیازها و ترجیحات روزافزون شهرنشینان که به‌طور مداوم در حال پیچیده‌تر و متنوع‌تر شدن است و نیز مشکلات متعدد از جمله اهمیت یافتن نقش مردم در جوامع توسعه یافته، نارضایتی‌ها و واکنش‌های منفی مردم نسبت به برنامه‌های توسعه شهری، عدم توانایی مالی شهرداری‌ها و جزو آن سبب رویکرد شهرسازی مشارکتی در فرآیند توسعه شهری شده است. طوری که از آن به عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به مردم‌سالاری و تحقق توسعه‌ی پایدار یاد می‌کنند.

در خصوص اهمیت نقش مردم در مدیریت شهرها در کتاب بازسازی شهرها به این نکته تأکید شده است که «شهرسازان و معماران، به عنوان طراحان اصلی محیط کالبدی ما، هرگز نباید فراموش کنند که مهم‌ترین عنصر در یک شهر، مردم هستند (Marshall, 1966: 349). عدم مشارکت مردمی از مسایل عمده‌ای است که کشور ما از آن رنج می‌برد. به این معنا که در فرآیند برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرای یک طرح، مردم یا اصلاً نقشی ندارند و یا نقش کم‌رنگی دارند و این مسأله ریشه‌های تاریخی دارد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۴۷). شهر مورد مطالعه نیز از این قاعده مستثنی نیست. علاوه بر آن عدم یا کمبود مشارکت مردم در طرح‌های شهری در یک شهر در مناطق مختلف آن با توجه به متغیرهای مختلف متفاوت بوده و در نوسان است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که «در بیشتر نواحی جغرافیایی، رفتارها، نگرش‌ها و عقاید اجتماعی - سیاسی مردم، تحت تأثیر محله‌ی مسکونی، سن، نوع اشتغال و ساخت اجتماعی - اقتصادی خانواده‌ها قرار می‌گیرد (شکوئی، ۱۳۷۹: ۸۲). از این رو تحقیق حاضر می‌کوشد تا با مطالعه تطبیقی و از طریق متغیرهای مستقل متعدد، تأثیر فضای

شهری بر میزان مشارکت شهروندان را در مناطق متعدد شهر تبریز بررسی نماید. برای انجام این تحقیق سؤالات پژوهشی به شرح ذیل عنوان شده است:

آیا ارزش منطقه‌ای بر میزان مشارکت شهروندان تأثیرگذار است؟

آیا قدمت محله‌ها بر میزان مشارکت شهروندان تأثیرگذار است؟

آیا متغیرهای فردی و زمینه‌ای شهروندان بر میزان مشارکت مردم مؤثر می‌باشد؟

آیا مالکیت بر میزان مشارکت شهروندان تأثیرگذار می‌باشد؟

ضرورت انجام تحقیق

در جهان امروز به جهت بحران‌های اقتصادی و بی‌ثباتی، بحران‌های زیست محیطی و عوامل متعدد دیگر، وجود مشارکت شهروندان در امور مختلف شهری ضروری می‌باشد (Haralombos & et al, 2004: 564). با توجه به دلایل ظهور مشارکت و به تبع آن شهرسازی مشارکتی و اهمیت آن در برنامه‌ریزی شهری که می‌توان به دلایل ذیل از جمله؛ اهمیت یافتن نقش مردم در جوامع و پیدایش و تقویت نظام‌های مبتنی بر مردم‌سالاری (Oosthuizen, 1984: 206; Marshall, 1966: 349)، درس گرفتن از روندهای توسعه در دهه‌های گذشته (UNCHS, 1987)، عدم تطابق برنامه‌های مدیریت شهری با نیازها و خواسته‌های مردم (UNCHS, 1987: 315; Hester, 1984: Ratcliffe, 1985: 85) و (Whittick, 1979: 850; Shirvani, 1985: 112 و 27: لاکویان، ۱۳۶۴: ۱۹۵-۱۹۴ و سیف‌الدینی، ۱۳۷۲: ۴)، اهمیت یافتن فرآیند به‌جای محصول (Hester, 1984: 95)، عدم توانایی مالی دولت‌ها (UNCHS, 1987; Omiya, 2000: 197; Turner, 1976; Motawef, 1998 و مطوف ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸)، توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی (Omiya, 2000: 203; Oosthuizen, 1984: 214) تهدید منافع شهروندان (Oosthuizen, 1984: 208)، پیچیدگی فزاینده زندگی شهری (Salazar, 1999: 183; Oosthuizen, 1984: 209)، جلوگیری از وابستگی جامعه به دولت، عدم تداوم فعالیت‌های توسعه و عمران و جزو آن اشاره کرد و همچنین مزایای مشارکت که سهمین شدن مردم در قدرت، افزایش سطح آگاهی‌های عمومی جامعه (Dutta & Jena, 1992: 59; Chatterjee, 1991: 1)، ایجاد حس مسئولیت اجتماعی و تعلق به جامعه، بهبود کیفیت

طرح‌ها و برنامه‌ها (Shirvani, 1985: 112; Susskind & Elliott, 1984)، پذیرش طرح‌ها و برنامه‌ها توسط مردم (مخبر، ۱۳۶۱؛ Omiya, 2000: 197; Shirvani, 1985: 112)، عدم تمرکز برنامه‌ریزی (Sharma, 2000: 180; Balogun, 2000: 154) و اوکلی و مارسدن، ۱۳۷۰: ۳۲)، بازآموزی برنامه‌ریزان، دستیابی به مدیریت خوب جوامع یا همان حکمرانی خوب و جزو آن می‌باشد. از این‌رو با این همه دلایل و مزایایی که فاکتور مشارکت برای شهروندان به‌دنبال دارد، برنامه‌ریزان، طراحان و سیاستگذاران ناگزیر به استفاده از مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها هستند. زیرا که تنها از این طریق می‌توانند مشکلات عدیده شهری را کاهش داده و به یک الگوی بهینه مدیریتی دست پیدا کنند. همچنین به این علت است که «مشارکت شهروندی از سال ۱۹۵۰، موضوع دامنه‌داری در حوزه برنامه‌ریزی بوده و به همین خاطر برنامه‌ریزان شهری تلاش نمودند در تصمیم‌گیری‌های شهری، از نظرات شهروندان مطلع شده و با همکاری آنان، برنامه‌های خود را عملی نمایند. چرا که آنان معتقد بودند، مشارکت، شهروندان را مسئولیت‌پذیر بار آورده و به فرآیندهای تصمیم‌گیری مشروعیت می‌بخشد؛ یعنی حمایت عمومی از تصمیم‌گیری‌های اتخاذی از سوی مسئولان باعث می‌شود مسئولان امر، به راحتی برنامه‌های خود را عملی نمایند (Brown & Harris, 2005). همچنین در نیمه دوم قرن بیستم، تحولات سیاسی و اجتماعی شگرفی در جهان پدید آمد، که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم باعث دوری برنامه‌ریزی سنتی از روش‌های آمرانه، یک بعدی و از بالا به پایین شده‌اند (مهدیزاده، ۱۳۸۰: ۴۷).

در نهایت در زمینه ضرورت انجام تحقیق حاضر می‌توان - البته با مطالعه پیشینه تحقیق که در تحقیق حاضر به آن‌ها پرداخته شده است - به این نکته اشاره کرد که تقریباً هیچ تحقیقی به رابطه مشارکت و ارزش منطقه‌ای نپرداخته است.

اهداف تحقیق

هدف کلی: بررسی تأثیر فضای شهری بر میزان مشارکت شهروندان (مورد مطالعه: محلات شهر تبریز)
اهداف اختصاصی

۱) بررسی رابطه ارزش منطقه‌ای بر میزان مشارکت شهروندان؛

- ۲) بررسی رابطه قدمت فضاهای شهری بر میزان مشارکت شهروندان؛
- ۳) بررسی میزان مشارکت شهروندان براساس عوامل اجتماعی نظیر احساس تعلق به منطقه‌ی محل سکونت و رضایت‌مندی از عملکرد شهرداری؛
- ۴) برآورد میزان مشارکت شهروندان در مناطق مورد مطالعه در امور شهری به تفکیک متغیرهای فردی و زمینه‌ای نظیر جنس، سن، وضعیت سطح تحصیلات، تأهل، منطقه، نوع مسکن، درآمد و وضعیت فعالیت؛

فرضیات تحقیق

- ۱) بین ارزش منطقه‌ای و مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد؛
- ۲) بین بافت شهری از لحاظ سنتی یا مدرن بودن مناطق و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد؛
- ۳) بین احساس تعلق به منطقه محل سکونت و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد؛
- ۴) بین میزان رضایت شهروندان از عملکرد شهرداری و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد؛
- ۵) بین متغیرهای فردی و زمینه‌ای شهروندان نظیر جنس، سن، وضعیت سطح تحصیلات، تأهل، منطقه، نوع مسکن، درآمد، وضعیت فعالیت و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد.

مواد و روش‌ها

برای اجرای هر پژوهشی روش‌هایی برای گردآوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل آن‌ها لازم است این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نیست، روش‌هایی که می‌تواند در این تحقیق کاربرد داشته باشند؛ با توجه به میزان ژرفایی تحقیق، این پژوهش می‌تواند از گونه مطالعات پهنانگر، با در نظر گرفتن معیار کاربرد پژوهش فعلی از نوع تحقیق کاربردی، با در نظر گرفتن معیار زمان، پژوهش حاضر از نوع تحقیقات مقطعی و از نظر شیوه‌های گردآوری داده‌ها، جزو روش‌های تحقیق اسنادی و پیمایشی به‌شمار می‌آید.

شیوه تحلیل داده‌ها

روش‌های تحلیل آماری پژوهش حاضر به دو قسمت عمده ذیل تقسیم می‌شود:

- ۱- روش‌های تحلیل آماری توصیفی شامل کاربرد جداول، نمودارهای مختلف، درصد‌های نسبی و تجمعی، فراوانی‌ها، میانگین و شاخص‌های گرایش به مرکز و شاخص‌های پراکندگی؛
- ۲- روش‌های تحلیل آماری استنباطی که خود به چندین نوع تقسیم می‌شود از قبیل تحلیل دو متغیره و تحلیل چندمتغیره. در تحلیل دو متغیره از آزمون‌هایی مانند آزمون T (تفاوت میانگین) و F (آنالیز واریانس یک‌طرفه) استفاده شده است. در تحلیل چند متغیره از آزمون‌هایی نظیر رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است.

تعریف جامعه و واحد آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر خانوارهای ساکن شهر تبریز می باشد که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ تعداد خانوار شهر تبریز ۴۲۳۷۷۵ نفر برآورد شده است.

شیوه نمونه‌گیری

در این تحقیق از روش نمونه برداری طبق‌های متناسب توأم با تصادفی سیستماتیک استفاده شده است. بدین صورت که در مرحله اول، منطقه مورد مطالعه از سایر مناطق تفکیک شده است. این تفکیک بر اساس ارزش منطقه‌ای انجام گرفته است. در مرحله دوم تعداد خانوار ساکن در منطقه مشخص و به تناسب تعداد خانوار هر مرحله تعیین شده و در مرحله نهایی کار نمونه‌گیری، تعداد خانوار تعیین شده از هر محله بر اساس نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شده است. بدین صورت که نفر اول نمونه به صورت تصادفی انتخاب و نفرات بعدی بر اساس $\frac{N}{n}$ تعیین شده‌اند. بدین ترتیب، پس از طی مراحل فوق از خانوارهای منتخب اطلاعات گردآوری شده است.

برآورد تعداد نمونه

برای برآورد تعداد نمونه از شش منطقه با ارزش منطقه‌ای مختلف-ولیعصر، محدوده مرکزی هر، باغمیشه، یاغچیان، شهرک امام و سیلاب قوشخانه- از فرمول کوکران استفاده شده و

تعداد ۳۸۴ نفر بر اساس فرمول فوق برآورد شده است. لازم به توضیح است که برای افزایش دقت وسیله اندازه‌گیری و کاهش خطای نمونه‌گیری، نمونه آماری از ۳۸۴ نفر به ۴۵۰ نفر افزایش داده شده که به تعداد مساوی میان مناطق مختلف توزیع شده است.

$$N=423775 \quad t=1/96 \quad t^2=3/84 \quad p=5 \quad q=5 \quad d=0/05 \quad d^2=0/0025$$

$$n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq} = \frac{423775 \times 3.84 \times 0.5 \times 0.5}{423775 \times 0.0025 + 3.84 \times 0.5 \times 0.5} = \frac{406824}{10603975} = 384 \approx 450$$

روایی و پایایی تحقیق

جهت تعیین روایی چندین نسخه از پرسشنامه‌ها در اختیار تعدادی از کارشناسان و اساتید گذاشته شد و پس از دریافت نظرات کارشناسان، اصلاحات و نظرات نهایی اعمال و پرسشنامه مزبور جهت تعیین اعتبار و پایایی آماده شد. برای تعیین اعتبار پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که مقدار آن ۰/۸۱ بوده است.

نتایج توصیفی و استنباطی

نتایج توصیفی و یک متغیره پژوهش

توزیع جنسی، سنی، وضعیت تأهل، تحصیلی، درآمدی، مالکیت مسکونی و شغلی

توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه نشان می‌دهد که جنس اکثر افراد را مرد، اکثر آن‌ها در گروه سنی ۲۰-۳۰ سال، از نظر درآمد اکثراً دارای درآمد ۳۰۰-۶۰۰ هزار تومان، از لحاظ وضعیت تأهل اکثراً متأهل، از نظر مالکیت مسکونی اکثراً شخصی و از نظر فعالیت اکثر افراد مورد مطالعه را کارمندان و مشاغل آزاد تشکیل می‌دهند. جداول شماره (۷-۱)، توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه را بر حسب جنس، سن، تحصیلات، درآمد، وضعیت تأهل، وضعیت مسکونی و وضعیت فعالیت را نشان می‌دهند.

جدول (۱) توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس جنس

| جنس | فراوانی | درصد فراوانی |
|-----|---------|--------------|
| مرد | ۲۳۸ | ۵۲/۹٪ |
| زن | ۲۱۲ | ۴۷/۱٪ |
| جمع | ۴۵۰ | ۱۰۰٪ |

جدول (۲) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

| توزیع سنی | زیر ۲۰ سال | ۲۰ تا ۳۰ سال | ۳۰ تا ۴۰ سال | ۴۰ تا ۵۰ سال | ۵۰ تا ۶۰ سال | ۶۰ تا ۷۰ سال | ۷۰ تا ۸۰ سال | جمع کل |
|-----------|------------|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|--------------|--------|
| فراوانی | ۶۴ | ۱۱۸ | ۱۰۲ | ۱۰۲ | ۴۲ | ۱۴ | ۶ | ۴۴۸ |
| درصد | ۱۴/۲ | ۲۶/۲ | ۲۲/۷ | ۲۲/۷ | ۹/۳ | ۳/۱ | ۱/۳ | ۹۹/۶ |

جدول (۳) توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل

| وضعیت تأهل | فراوانی | درصد |
|------------|---------|------|
| متاهل | ۳۰۵ | ۶۷/۸ |
| مجرد | ۱۴۵ | ۳۲/۲ |
| جمع | ۴۵۰ | ۱۰۰ |

جدول (۴) فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات

| میزان تحصیلات | بی سواد | خواندن و نوشتن | راهنمایی | دیپلم | فوق دیپلم | لیسانس | فوق لیسانس | دکتری | جمع |
|---------------|---------|----------------|----------|-------|-----------|--------|------------|-------|-----|
| فراوانی | ۹ | ۳۰ | ۵۶ | ۱۵۲ | ۵۰ | ۱۲۸ | ۲۱ | ۴ | ۴۵۰ |
| درصد | ۲ | ۶/۷ | ۱۲/۴ | ۳۳/۸ | ۱۱/۱ | ۲۸/۴ | ۴/۷ | ۰/۹ | ۱۰۰ |

جدول (۵) فراوانی میزان درآمد پاسخگویان

| میزان درآمد | زیر سیصد هزار | سیصد هزار تا ششصد هزار | ششصد هزار تا نهصد هزار | نهصد تا یک میلیون و دویست | یک میلیون و دویست تا یک و نیم میلیون | یک و نیم تا دو میلیون | دو میلیون به بالا | جمع |
|-------------|---------------|------------------------|------------------------|---------------------------|--------------------------------------|-----------------------|-------------------|------|
| فراوانی | ۶۶ | ۱۴۳ | ۵۲ | ۱۸ | ۱۰ | ۱ | ۴ | ۲۹۴ |
| درصد | ۱۴/۷ | ۳۱/۸ | ۱۱/۶ | ۴ | ۲/۲ | ۰/۲ | ۰/۹ | ۶۵/۳ |

جدول (۶) فراوانی نوع مالکیت مسکونی

| نوع مالکیت مسکونی | شخصی | اجاره ای | سازمانی | وقفی | سایر | جمع |
|-------------------|------|----------|---------|------|------|------|
| فراوانی | ۳۱۵ | ۱۱۰ | ۳ | ۷ | ۱۴ | ۴۴۹ |
| درصد | ۷۰ | ۲۴/۴ | ۰/۷ | ۱/۶ | ۳/۱ | ۹۹/۸ |

جدول (۷) وضعیت فعالیت پاسخگویان

| وضعیت فعالیت | کارمند | آزاد | بازنشسته | بیکار | دانشجو یا محصل | سایر | جمع |
|--------------|--------|------|----------|-------|----------------|------|------|
| فراوانی | ۱۰۱ | ۱۰۲ | ۴۵ | ۶۷ | ۹۷ | ۳۷ | ۴۴۹ |
| درصد | ۲۲/۴ | ۲۲/۷ | ۱۰ | ۱۴/۹ | ۲۱/۶ | ۸/۲ | ۹۹/۸ |

ارزش منطقه‌ای

جدول (۸)، توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب ارزش منطقه‌ای نشان می‌دهد. طبق همین جدول، ۱۶/۴ درصد پاسخگویان ساکن در منطقه ولیعصر، ۱۴/۲ درصد مرکز شهر، ۱۸ درصد در باغ‌میشه، ۱۶/۲ درصد در یاغچیان، ۱۶/۹ درصد در شهرک امام و ۱۸/۲ درصد در سیلاب قوشخانه می‌باشند.

جدول (۸) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ارزش منطقه‌ای

| جمع | سیلاب قوشخانه | شهرک امام | یاغچیان | باغ‌میشه | محدوده مرکزی شهر | ولیعصر | ارزش منطقه‌ای |
|-----|---------------|-----------|---------|----------|------------------|--------|---------------|
| ۴۵۰ | ۸۲ | ۷۶ | ۷۳ | ۸۱ | ۶۴ | ۷۴ | فراوانی |
| ۱۰۰ | ۱۸/۲ | ۱۶/۹ | ۱۶/۲ | ۱۸ | ۱۴/۲ | ۱۶/۴ | درصد |

قدمت محله

جدول (۹)، میزان سکونت پاسخگویان را بر حسب قدمت محله نشان می‌دهد. همانگونه که از داده‌های جدول ذیل قابل استنباط است مدت سکونت ۱ تا ۵ سال، حایز بیشترین فراوانی (۳۴/۴) و ۱۰ تا ۱۵ سال واجد کمترین فراوانی (۱۱/۸) بوده است. بر اساس داده‌های این جدول، مدت و قدمت سکونت ۳۴/۴ درصد از پاسخگویان بین ۱ تا ۵ سال، ۲۰/۹ درصد ۵ تا ۱۰ سال، ۱۱/۸ درصد ۱۰ تا ۱۵ سال، ۱۵/۵ درصد ۱۵ تا ۲۰ سال و ۱۷/۱ درصد ۲۰ سال به بالا بوده است.

جدول (۹) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب قدمت محله

| جمع | ۲۰ سال به بالا | ۱۵ تا ۲۰ سال | ۱۰ تا ۱۵ سال | ۵ تا ۱۰ سال | ۱ تا ۵ سال | قدمت محله |
|-----|----------------|--------------|--------------|-------------|------------|-----------|
| ۴۵۰ | ۷۷ | ۷۱ | ۵۳ | ۹۴ | ۱۵۵ | فراوانی |
| ۱۰۰ | ۱۷/۱ | ۱۵/۵ | ۱۱/۸ | ۲۰/۹ | ۳۴/۴ | درصد |

میزان رضایت پاسخگویان از خدمات شهری به تفکیک مناطق مختلف شهری

جدول (۱۰)، میزان رضایت (اصلاً، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) پاسخگویان را نسبت به خدمات شهری بر مبنای یک طیف مدرج نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان

می‌دهد که نزدیک به ۷۰ درصد پاسخگویان از امور مربوط به تاکسیرانی و تعداد تاکسی رضایت دارند؛ حدود ۵۰ درصد از پاسخگویان از خدمات شهری رضایت دارند؛ نزدیک به ۴۵ درصد پاسخگویان ناراضی خود را از خدمات بهداشتی و درمانی ابراز داشته‌اند؛ اکثریت پاسخگویان رضایت خود را از امور جمع‌آوری زباله اعلام داشته‌اند؛ خدمات آموزشی برای نیمی از پاسخگویان تقریباً رضایت‌بخش بوده است؛ حدود ۵۰ درصد پاسخگویان از ارائه خدمات و امکانات ورزشی رضایت نداشته‌اند؛ سایر گویه‌ها نیز رضایت در حد متوسط افراد را نسبت به خدمات شهری نشان می‌دهد. در مجموع می‌توان گفت که رضایت پاسخگویان از امور مربوط به باغ کودکان به عنوان یکی از شاخص‌های خدمات شهری دارای کمترین نمره و رضایت پاسخگویان از نظر تعداد تاکسی‌های موجود به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های خدمات شهری دارای بیشترین نمره بوده است.

جدول شماره (۱۱)، نشان‌دهنده آمارهای توصیفی متغیر رضایت شهروندان از امور خدماتی است. حداقل و حداکثر نمره کسب شده به ترتیب ۲۰ و ۱۰۹ می‌باشد و نمره میانگین این متغیر ۷۱، انحراف معیار ۱/۳۵، واریانس ۱/۸۲، چولگی ۱/۵۲- و کشیدگی ۱/۰۶- می‌باشد.

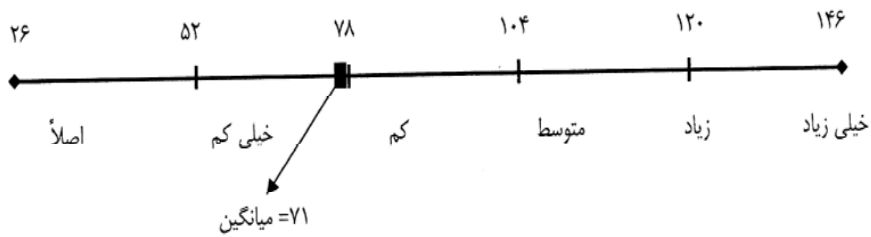
میزان مشارکت شهروندان در امور شهری

جدول (۱۲)، میزان مشارکت شهروندان را در امور شهری نشان می‌دهد. جدول مزبور گویای این است که میزان مشارکت شهروندان در امر ارزیابی و بررسی میزان خدمات‌رسانی مدیران شهری و ارائه پیشنهادها و نظرها به مدیران شهری دارای پایین‌ترین حد و میزان مشارکت شهروندان در امر کمک برای تنظیم امور ترافیک با رعایت قوانین دارای بالاترین حد می‌باشد. شاید بتوان گفت که علت چنین پدیده‌ای بیشتر ناشی از فقر شهروندی و پایین بودن تعاملات و آشنایی کافی شهروندان با نهادهای مختلف شهری، خصوصاً شهرداری باشد؛ به عبارتی دیگر، عموم مردم در جریان ترافیک شهری قرار دارند و به صورت روزمره با این پدیده روبرو می‌شوند. در نتیجه نسبت به مشارکت و دخالت در آن تلاش و اهتمام بیشتری از خود نشان می‌دهد. در مقابل به سبب اینکه تعامل و ارتباط چندانی با مسئولان و

مأموران رسمی شهر ندارند لذا در ارزیابی و بررسی خدمات آن‌ها و نیز ارایه راهکارها و پیشنهادات حالتی منفعل دارند.

جدول (۱۰) میزان رضایت پاسخگویان از خدمات شهری

| اصلاً | خیلی کم | کم | متوسط | زیاد | خیلی زیاد | |
|-------|---------|------|-------|------|-----------|--|
| ۵/۱ | ۱۱/۶ | ۱۵/۱ | ۵۲/۲ | ۱۴/۴ | ۱/۶ | امور مربوط به تاکسیرانی |
| ۲/۲ | ۵/۸ | ۱۰/۴ | ۴۰/۹ | ۳۳/۳ | ۷/۳ | از نظر تعداد تاکسی‌های موجود |
| ۵/۱ | ۱۸/۴ | ۲۳/۳ | ۴۳/۶ | ۸/۲ | ۱/۳ | خدمات تفریحی |
| ۳/۳ | ۸/۷ | ۱۹/۸ | ۴۴/۹ | ۲۲ | ۱/۳ | خدمات درمانی و بهداشتی |
| ۲/۹ | ۵/۱ | ۸ | ۳۸ | ۳۸/۲ | ۷/۸ | جمع‌آوری زباله |
| ۶/۹ | ۱۲ | ۳۰/۷ | ۳۸/۴ | ۱۰/۲ | ۱/۸ | خدمات آموزشی |
| ۱۴/۲ | ۱۸/۲ | ۲۵/۸ | ۲۷/۶ | ۱۲/۲ | ۲ | امکانات ورزشی |
| ۷/۱ | ۱۵/۶ | ۱۹/۱ | ۴۰/۹ | ۱۵/۱ | ۲/۲ | خدمات مربوط به پارک‌ها |
| ۱۸ | ۱۸/۹ | ۲۰/۲ | ۲۱/۶ | ۱۷/۳ | ۴ | پاکسازی محیط شهری از حیوانات موذی |
| ۷/۶ | ۱۲ | ۲۷/۳ | ۳۱/۸ | ۱۳/۸ | ۷/۶ | کاهش و کنترل ترافیک |
| ۶/۷ | ۱۳/۳ | ۲۳/۶ | ۳۵/۸ | ۱۵/۸ | ۴/۹ | خدمات ارتباطی و الکترونیکی |
| ۹/۶ | ۱۲/۷ | ۲۶/۲ | ۳۰/۹ | ۱۲/۴ | ۸/۲ | نحوه نظافت و نگهداری معابر |
| ۶/۲ | ۸/۹ | ۲۱/۸ | ۴۵/۳ | ۹/۳ | ۸/۷ | امور مربوط به اتوبوسرانی |
| ۶/۹ | ۱۳/۶ | ۲۳/۱ | ۴۲/۹ | ۱۰/۹ | ۲/۷ | تعداد اتوبوس‌ها |
| ۶/۲ | ۸/۹ | ۲۲/۴ | ۳۷/۶ | ۲۰/۴ | ۴/۴ | مدت زمان انتظار جهت رسیدن اتوبوس |
| ۸/۹ | ۱۷/۱ | ۳۰ | ۲۹/۶ | ۱۰/۷ | ۳/۸ | نحوه نگهداری مجاری کانال‌های آب و فاضلاب |
| ۱۲/۲ | ۲۲ | ۲۳/۱ | ۳۱/۳ | ۹/۸ | ۱/۶ | کیفیت برف رویی از معابر شهری |
| ۷/۳ | ۱۲/۹ | ۲۷/۶ | ۴۰ | ۸/۴ | ۳/۸ | ایجاد فضای شهر و باغات عمومی |
| ۱۱/۳ | ۱۷/۱ | ۲۰/۲ | ۴۰ | ۷/۸ | ۳/۶ | آرایش و دلپذیر نمودن محیط شهری (زیبایی بصری) |
| ۱۲/۹ | ۱۷/۳ | ۲۶/۴ | ۲۴/۷ | ۱۳/۸ | ۴/۹ | جمع‌آوری و ساماندهی مشاغل مزاحم |
| ۹/۸ | ۱۴ | ۲۴/۹ | ۴۰/۲ | ۵/۶ | ۵/۶ | کنترل میداین میوه و تره‌بار |
| ۴/۷ | ۱۳/۶ | ۱۶/۷ | ۴۵/۱ | ۱۴/۶ | ۵/۱ | نصب علائم و تابلوهای شناسایی در سطح شهر |
| ۱۰/۷ | ۹/۸ | ۱۸/۴ | ۴۵/۸ | ۱۰/۲ | ۵/۱ | کنترل و ساماندهی تابلوهای اماکن شهری |
| ۱۷/۶ | ۲۴/۷ | ۲۱/۸ | ۲۵/۱ | ۸ | ۲/۹ | امور مربوط به کتابخانه‌های عمومی |
| ۲۰ | ۱۸/۲ | ۲۵/۳ | ۲۳/۳ | ۱۰/۴ | ۲/۷ | امور مربوط به احداث ورزشگاه |
| ۲۵/۸ | ۲۴/۹ | ۲۱/۱ | ۱۹/۸ | ۵/۶ | ۲/۹ | امور مربوط به باغ کودکان |



جدول (۱۱) آمارهای توصیفی متغیر میزان رضایت

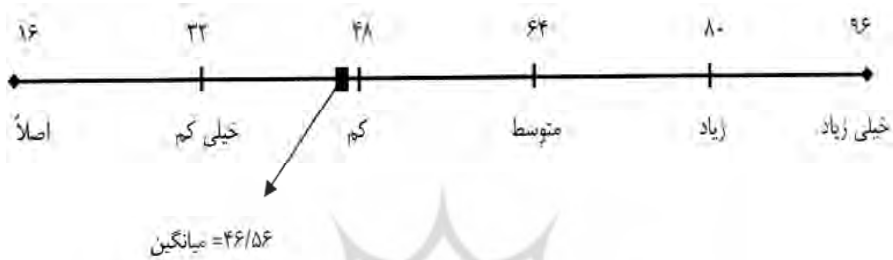
| آمارها مقادیر | تعداد مشاهدات | دامنه تغییرات | حداقل | حداکثر | میانگین | انحراف معیار | واریانس | چولگی | کشیدگی |
|------------------|---------------|---------------|-------|--------|---------|--------------|---------|-------|--------|
| | ۴۵۰ | ۸۹ | ۲۰ | ۱۰۹ | ۷۱ | ۱/۳۵ | ۱/۸۲ | -۰/۵۲ | -۱/۰۶ |

جدول (۱۳)، آمارهای توصیفی مربوط به متغیر میزان مشارکت را نشان می‌دهد. در اینجا حداقل نمره کسب شده ۱۵ و حداکثر نمره کسب شده ۸۸ بوده است. مقدار میانگین نمرات ۴۶/۵۶، انحراف معیار ۱/۶۶، واریانس ۲۷۷/۳۳، چولگی ۰/۱۵- و کشیدگی ۰/۶۲- بوده است.

جدول (۱۲) میزان مشارکت شهروندان در امور شهری

| اصلاً | خیلی کم | کم | متوسط | زیاد | خیلی زیاد | |
|-------|---------|------|-------|------|-----------|---|
| ۴۹/۸ | ۱۷/۶ | ۱۶/۲ | ۱۰/۴ | ۵/۸ | ۰/۲ | مشارکت در اداره امور شهری |
| ۴۹/۸ | ۱۷/۸ | ۱۸ | ۸/۲ | ۳/۸ | ۲/۴ | ارزیابی و بررسی میزان خدمات‌رسانی مدیران شهری |
| ۴۷/۸ | ۱۲/۲ | ۱۳/۳ | ۱۷/۱ | ۷/۳ | ۲/۲ | ارایه پیشنهادها و نظرها به مدیران شهری |
| ۳۳/۱ | ۱۱/۸ | ۱۴/۷ | ۲۳/۳ | ۱۳/۱ | ۴ | مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی |
| ۳۶/۲ | ۱۱/۳ | ۸ | ۲۲/۴ | ۱۴/۷ | ۷/۳ | مشارکت در پرداخت عوارض شهری |
| ۳۸ | ۱۴/۷ | ۱۵/۳ | ۱۸/۹ | ۷/۳ | ۵/۸ | مشارکت در برگزاری مراسم |
| ۲۹/۱ | ۱۵/۳ | ۹/۳ | ۱۹/۱ | ۱۴/۹ | ۱۲/۲ | مشارکت در حفظ پارک‌ها |
| ۲۳/۶ | ۷/۳ | ۶/۷ | ۱۲/۷ | ۲۸ | ۲۱/۸ | توجه به قوانین در ساخت و سازها |
| ۳۴/۹ | ۸/۷ | ۲۴/۴ | ۱۹/۱ | ۷/۶ | ۵/۳ | اطلاع‌رسانی مشکلات شهری به مدیران |
| ۲۴/۴ | ۴/۴ | ۹/۳ | ۲۰/۲ | ۲۵/۳ | ۱۶/۲ | شرکت در انتخابات شهر و محله |
| ۲۰/۲ | ۸/۲ | ۱۵/۳ | ۲۳/۱ | ۲۰/۲ | ۱۲/۹ | تلاش برای حل مسایل و مشکلات محله |
| ۱۷/۱ | ۱۴/۷ | ۱۲/۲ | ۲۲/۲ | ۱۹/۱ | ۱۴/۷ | پاکسازی محیط شهر و محله |
| ۱۶/۹ | ۴/۹ | ۷/۸ | ۱۶/۹ | ۱۹/۸ | ۳۳/۸ | کمک برای تنظیم امور ترافیک با رعایت قوانین |
| ۲۳/۶ | ۱۴ | ۱۲ | ۲۲/۲ | ۱۵/۶ | ۱۲/۷ | مشارکت در حفظ و گسترش فضای سبز |

| | | | | | | |
|------|------|------|-----|------|------|---|
| ۲۶/۷ | ۲۳/۸ | ۱۴/۹ | ۶/۹ | ۶/۲ | ۲۱/۶ | رعایت مقررات شهری و عدم تخلف در ساخت و ساز شهری |
| ۶/۹ | ۱۰/۷ | ۲۱/۳ | ۱۸ | ۱۳/۱ | ۳۰ | مشارکت در امور خدمات شهری |



جدول (۱۳) آمارهای توصیفی متغیر میزان مشارکت

| آمارها | تعداد مشاهدات | دامنه تغییرات | حداقل | حداکثر | میانگین | انحراف معیار | واریانس | چولگی | کشیدگی |
|--------|---------------|---------------|-------|--------|---------|--------------|---------|-------|--------|
| مقادیر | ۴۵۰ | ۷۳ | ۱۵ | ۸۸ | ۴۶/۵۶ | ۱/۶۶ | ۲/۷۵ | -۰/۱۵ | -۰/۶۲ |

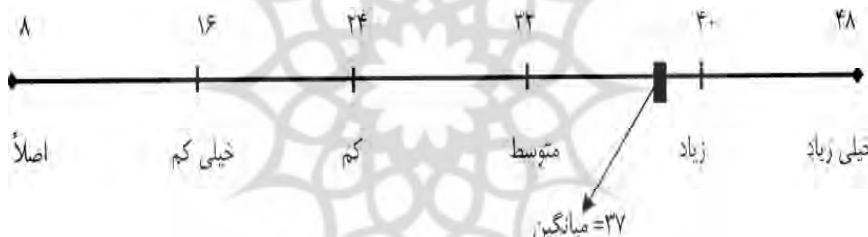
میزان احساس تعلق به منطقه محل سکونت

جدول (۱۴)، میزان احساس تعلق به منطقه محل سکونت را نشان می‌دهد. آخرین سطر جدول زیر نشان می‌دهد که حدود ۴/۲ درصد پاسخگویان هیچ احساس تعلق نسبت به منطقه محل سکونت خود ندارند؛ ۶/۲۲ درصد احساس تعلق خیلی کم، ۱۰/۲۱ احساس تعلق کم، ۲۳/۷۷ درصد احساس تعلق متوسط، ۲۶/۳۵ درصد احساس تعلق زیاد و ۲۹/۲۵ درصد نیز احساس تعلق خیلی زیاد نسبت به محل سکونت خود دارند. در مجموع می‌توان گفت که بیش از نیمی از پاسخگویان نسبت به منطقه محل سکونت خود احساس تمایل و تعلق زیاد دارند.

جدول (۱۵)، نمایانگر آمارهای توصیفی مربوط به متغیر احساس تعلق است. آن گونه که از داده‌های جدول مزبور روشن است حداقل نمره کسب شده در متغیر احساس تعلق ۱۶ و حداکثر نمره کسب شده ۴۸ بوده است. مقدار میانگین نمرات ۳۷، انحراف معیار ۶/۲۳، واریانس ۳۸/۸۸، چولگی -۰/۲۸ و کشیدگی -۰/۵۰ بوده است.

جدول (۱۴) میزان احساس تعلق نسبت به منطقه محل سکونت

| اصلاً | خیلی کم | کم | متوسط | زیاد | خیلی زیاد |
|-------|---------|-------|-------|-------|-----------|
| ۱۰/۹ | ۱۹/۳ | ۱۶/۲ | ۲۵/۱ | ۲۲/۴ | ۶ |
| ۴ | ۴/۷ | ۱۱/۳ | ۲۶/۴ | ۲۹/۳ | ۳۴/۲ |
| ۲/۲ | ۶/۷ | ۱۲/۴ | ۲۴/۷ | ۲۸/۹ | ۲۵/۱ |
| ۱/۱ | ۶/۴ | ۱۸ | ۳۴ | ۱۸/۴ | ۲۲ |
| ۱۱/۱ | ۴/۹ | ۱۵/۸ | ۳۶/۷ | ۱۶ | ۱۵/۶ |
| ۱/۶ | ۲ | ۲/۲ | ۲۱/۱ | ۳۵/۳ | ۳۷/۸ |
| ۱/۸ | ۳/۶ | ۴/۲ | ۱۴/۷ | ۳۰/۹ | ۴۴/۹ |
| ۰/۹ | ۲/۲ | ۱/۶ | ۷/۳ | ۲۹/۶ | ۵۸/۴ |
| ۴/۲ | ۶/۲۲ | ۱۰/۲۱ | ۲۳/۷۷ | ۲۶/۳۵ | ۲۹/۲۵ |



جدول (۱۵) آمارهای توصیفی متغیر احساس تعلق

| آمارها | تعداد مشاهدات | دامنه تغییرات | حداقل | حداکثر | میانگین | انحراف معیار | واریانس | چولگی | کشیدگی |
|--------|---------------|---------------|-------|--------|---------|--------------|---------|-------|--------|
| مقادیر | ۴۵۰ | ۳۲ | ۱۶ | ۴۸ | ۳۷ | ۶/۳۳ | ۳۸/۸۸ | -/۲۸ | -/۵۰ |

نتایج استنباطی

رابطه سن با میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری

به منظور بررسی فرضیه فوق، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همانطور که نتایج جدول (۱۶)، نشان می‌دهد، نتیجه ضریب مزبور، نشان‌دهنده ارتباط نسبتاً متوسط (۰/۲۸) بین دو متغیر سن و میزان مشارکت می‌باشد. با افزایش سن میزان مشارکت شهروندان در امور شهری روند صعودی به خود می‌گیرد.

جدول (۱۶) همبستگی بین میزان سن و میزان مشارکت

| سن | متغیر وابسته متغیر مستقل |
|---------------------------------|-----------------------------|
| $r=0/28$ $p=0/00$ $N=450$ | میزان مشارکت |

رابطه جنس با میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری

بر اساس نتایج به دست آمده، میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری به تفکیک جنس آنان متفاوت است. به عبارت دقیق تر، جنس پاسخگویان بر روی مشارکت آنان تأثیرگذار بوده است. بر اساس آمارهای جدول (۱۷) میانگین مشارکت در بین زنان ۴۴/۲۲ و در بین مردان ۴۸/۶۵ می باشد و این نشانگر آن است که میزان مشارکت نزد زنان نسبت به مردان به طور معنی دار کمتر است. با سطح اطمینان ۰/۹۹، سطح معناداری بایستی کمتر از ۰/۰۵ باشد که در جدول فوق سطح معناداری ۰/۰۵ می باشد و لذا تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد.

جدول (۱۷) میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری بر اساس جنس

| جنس | تعداد | میانگین | انحراف معیار | کمیت t | درجه آزادی | سطح معناداری |
|-----|-------|---------|--------------|--------|------------|--------------|
| زن | ۲۱۲ | ۴۴/۲۲ | ۱۷/۵۵ | -۲/۸۶ | ۴۴۸ | ۰/۰۰۵ |
| مرد | ۲۳۸ | ۴۸/۶۵ | ۱۵/۵۴ | | | |

رابطه وضعیت تأهل با میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری

بر اساس نتایج به دست آمده میزان مشارکت پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل آنان تفاوت است. به عبارت دیگر، وضعیت تأهل پاسخگویان بر روی میزان مشارکت آنان تأثیر معنادار داشته است. بر اساس آمارهای جدول (۱۸)، میانگین مشارکت برای مجردان ۴۳/۲۲ و برای متأهلان ۴۸/۱۵ می باشد. و این نشانگر آن است که میزان مشارکت نزد متأهلان بیشتر از مجردان است. با سطح اطمینان ۰/۹۹، سطح معناداری بایستی کمتر از ۰/۰۱ باشد که در اینجا سطح معناداری ۰/۰۰۴ می باشد بنابراین تفاوت مابین دو گروه معنادار است.

جدول (۱۸) میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری بر اساس جنس

| جنس | تعداد | میانگین | انحراف معیار | کمیت t | درجه آزادی | سطح معناداری |
|-------|-------|---------|--------------|--------|------------|--------------|
| مجرد | ۱۴۵ | ۴۳/۲۲ | ۱۷/۵۰ | -۲/۸۶ | ۴۴۸ | ۰/۰۰۴ |
| متاهل | ۳۰۵ | ۴۸/۱۵ | ۱۶/۰۱ | | | |

رابطه نوع مالکیت با میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری

به منظور بررسی فرضیه فوق، از آزمون آماری تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. همانگونه که در جدول (۱۹)، ملاحظه می‌شود تعداد نمونه برای مالکیت شخصی ۳۱۵، مالکیت اجاره‌ای ۱۱۰، مالکیت سازمانی ۳، مالکیت وقفی ۷ و سایر مالکیت‌ها ۱۴ می‌باشد. میانگین نمرات افراد در هر کدام از انواع مالکیت به تفکیک آورده شده است. به طوری که در این جدول نمره میزان مشارکت برای مالکیت شخصی ۴۸/۶۲، اجاره‌ای ۴۱/۷۲، سازمانی ۳۷، وقفی ۴۸/۵۷ و سایر مالکیت‌ها ۳۷/۸۵ برآورد شده است.

جدول (۱۹) میانگین نمرات میزان مشارکت بر حسب نوع مالکیت

| نوع مالکیت | شخصی | اجاره‌ای | سازمانی | وقفی | سایر |
|--------------|-------|----------|---------|-------|-------|
| تعداد نمونه | ۳۱۵ | ۱۱۰ | ۳ | ۷ | ۱۴ |
| میزان مشارکت | ۴۸/۶۲ | ۴۱/۷۲ | ۳۷ | ۴۸/۵۷ | ۳۷/۸۵ |

جهت مشخص نمودن معناداری تفاوت، یعنی اثر متغیر نوع مالکیت بر میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده که نتایج آن در جدول (۲۰) ارائه شده است.

جدول (۲۰) نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری

| متغیر | منبع تغییرات | درجه آزادی | مجموع مربعات | میانگین مربعات | کمیت F | سطح معناداری F | آزمون توکی | سطح معناداری HSD |
|--------------|--------------|------------|--------------|----------------|--------|----------------|----------------|------------------|
| میزان مشارکت | بین گروهی | ۴ | ۳۸/۹۸ | ۹/۷۴ | ۴/۹۵ | ۰/۰۰۱ | شخصی با اجاره | ۰/۰۰ |
| | درون گروهی | ۴۴۴ | ۸۷۲/۵۸ | ۱/۹۶ | | | و شخصی با سایر | ۰/۰۲ |
| | کل | ۴۴۸ | ۹۱۱/۵۶ | | | | | |

همانگونه که در جدول فوق ملاحظه می‌گردد میانگین مشارکت بر حسب انواع مالکیت

پاسخگویان تفاوت معناداری دارد. هرگاه که تفاوت بین گروه‌ها معنادار شده است از پس‌آزمون توکی استفاده شده تا مشخص گردد کدام یک از زیرگروه‌ها باعث گردیده است تا این تفاوت مابین میانگین گروه‌ها معنادار شود. مالکیت شخصی با مالکیت اجاره‌ای و مالکیت شخصی با سایر مالکیت‌ها تفاوت معناداری دارند. در کل متغیر میزان مشارکت در بین مالکان شخصی با مالکان اجاره‌ای و دیگر مالکان متفاوت ظاهر شده است و تفاوت آن دو معنادار گشته است.

میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری به تفکیک وضعیت فعالیت

در اینجا نیز همچون سؤال قبلی به دلیل اینکه ما به دنبال تفاوت مابین گروه‌های مختلف هستیم از آزمون ANOVA استفاده شده است. در اینجا ما به دنبال این هستیم که ببینیم تفاوت معناداری مابین فعالیت‌های مختلف در رابطه با میزان مشارکت در امور شهری وجود دارد یا نه؟ همانگونه که در جدول (۲۱)، توسط آزمون تحلیل واریانس ملاحظه می‌شود تفاوت معناداری ($p < 0/05$; $f = 2/14$) بین اصناف فعالیت وجود دارد.

جدول (۲۱) میانگین نمرات میزان مشارکت بر حسب نوع مالکیت

| وضعیت فعالیت | کارمند | آزاد | بازنشسته | بیکار | دانشجو یا محصل | سایر |
|--------------|--------|------|----------|-------|----------------|------|
| تعداد نمونه | ۱۰۱ | ۱۰۲ | ۴۵ | ۶۷ | ۹۷ | ۳۷ |
| میزان مشارکت | ۳/۲۶ | ۳/۱۸ | ۲/۸۶ | ۳/۱۶ | ۲/۶۵ | ۲/۲۱ |

در اینجا هم، جهت مشخص نمودن معناداری تفاوت، یعنی اثر متغیر وضعیت فعالیت بر میزان مشارکت در امور شهری، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده که نتایج آن در جدول (۲۲)، ارایه شده است. همان طور که قابل مشاهده است تفاوت معناداری بین کارمندان با دانشجویان و سایر افراد بر حسب میزان مشارکت وجود دارد.

جدول (۲۲) نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری

| متغیر | منبع تغییرات | درجه آزادی | مجموع مربعات | میانگین مربعات | کمیت F | سطح معناداری F | آزمون توکی | سطح معناداری HSD |
|--------------|--------------|------------|--------------|----------------|--------|----------------|----------------|------------------|
| میزان مشارکت | بین گروهی | ۵ | ۴۷/۰۵ | ۹/۴۱ | ۴/۸۰ | ۰/۰۰ | کارمند با | ۰/۰۰ |
| | درون گروهی | ۴۴۳ | ۸۶۷/۶۸ | ۱/۹۵ | | ۰/۰۰ | دانشجو و | ۰/۰۰ |
| | کل | ۴۴۸ | | | | | کارمند با سایر | |

میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری به تفکیک منطقه محل سکونت

همانگونه که در جدول (۲۳)، ملاحظه می‌شود، بالاترین میانگین مشارکت شهروندان در امور شهری به شهرک امام و پایین‌ترین میانگین به محدوده مرکزی شهر اختصاص دارد.

جدول (۲۳) میانگین نمرات میزان مشارکت به تفکیک منطقه محل سکونت

| منطقه محل سکونت | ولیعصر | محدوده مرکزی شهر | باغ‌میشه | یاغچیان | شهرک امام | سیلاب قوشخانه |
|-----------------|--------|------------------|----------|---------|-----------|---------------|
| تعداد نمونه | ۷۴ | ۶۴ | ۸۱ | ۷۳ | ۷۶ | ۸۲ |
| میزان مشارکت | ۳/۲۰ | ۲/۶۷ | ۲/۷۷ | ۳ | ۳/۳۵ | ۲/۸ |

در اینجا نیز برای یافتن تفاوت در میزان مشارکت شهروندان در امور شهری برحسب مناطق مختلف شهری از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است. کمیت f نشانگر معناداری تفاوت بین زیرگروه‌های مربوطه بر اساس متغیر میزان مشارکت می‌باشد. سطح معناداری ۰/۰۲ در حقیقت حکایت از معناداری تفاوت بین زیرگروه‌های متغیر ارزش منطقه ای می‌باشد. در مجموع، جدول (۲۴)، حاکی از این است که منطقه ولیعصر در متغیر میزان مشارکت با منطقه محدوده مرکزی و منطقه باغ‌میشه تفاوت معناداری دارد.

جدول (۲۴) نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری

| متغیر | منبع تغییرات | درجه آزادی | مجموع مربعات | میانگین مربعات | کمیت F | سطح معناداری F | آزمون توکی | سطح معناداری HSD |
|--------------|--------------|------------|--------------|----------------|--------|----------------|--------------------------|------------------|
| میزان مشارکت | بین گروهی | ۵ | ۲۵/۹۴ | ۵/۱۸ | ۲/۵۹ | ۰/۰۰ | ولیعصر با محدوده مرکزی و | ۰/۰۰ |
| | درون گروهی | ۴۴۴ | ۸۸۹/۷۳ | ۲ | | ۰/۰۵ | ولیعصر با باغ‌میشه | ۰/۰۵ |
| | کل | ۴۴۹ | | | | | | |

آمارهای چند متغیره

رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر میزان مشارکت روش رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام (Stepwise Method):

تحلیل رگرسیون به چند روش قابل اجراست که در این تحقیق، از روش رگرسیون چندگانه ی توأم استفاده شده است. رگرسیون به شیوه گام‌به‌گام، متغیرها را یک به یک وارد مدل

می‌کند. در این روش، R^2 به دست آمده نشان می‌دهد که ۲۴ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای موجود در تحقیق حاضر تبیین می‌گردند.

جدول (۲۵) تحلیل رگرسیون چندمتغیره میزان مشارکت شهروندان

| ضریب همبستگی چندگانه R | ضریب تعیین | ضریب تعیین تعدیل شده |
|------------------------|------------|----------------------|
| ۰/۴۹ | ۰/۲۴ | ۰/۲۱ |

جدول (۲۶) نیز معنادار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را نشان می‌دهد و سطح معناداری (Sig=0.000) به دست آمده، معنادار بودن آن را در سطح ۹۹ درصد تأیید می‌کند.

جدول (۲۶) معناداری رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرهای مدل رگرسیونی

| منبع تغییرات | درجه آزادی | مجموع مربعات | میانگین مربعات | کمیت F | سطح معناداری F |
|--------------|------------|--------------|----------------|---------|----------------|
| اثر رگرسیونی | ۳ | ۷۱/۵۰ | ۲۳/۸۳ | ۲۸/۵۲** | ۰/۰۰۰ |
| باقیمانده | ۲۸۹ | ۲۴۱/۴۹ | ۰/۸۳ | | |
| کل | ۳۲۸ | ۳۳۸۵/۴۱ | | | |

نتایج حاصل از جدول (۲۷)، نشان می‌دهد که تنها متغیر احساس تعلق به منطقه محل سکونت، قدمت محله و میزان تحصیلات از بین متغیرها معنادار بوده و سایر متغیرها در سطح ۰/۰۵ معنادار نبوده و لذا از معادله خارج شده‌اند. همچنین مقادیر بتا نشان می‌دهد که متغیر احساس تعلق سهم بیشتری در مقایسه با سایر متغیرها در پیشگویی متغیر وابسته دارد. زیرا یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث می‌شود تا انحراف معیار متغیر وابسته به اندازه ۰/۴۶ تغییر کند. متغیرهای قدمت محله و میزان تحصیلات نیز هر دو با ضریب یکسان ۰/۱۴ در مرتبه نازل تری نسبت به متغیر احساس تعلق قرار دارند.

جدول (۲۷) اثرات متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته

| متغیرها | B | بتا | کمیت t | سطح معناداری | Tolerance | VIF |
|---------------|------|------|--------|--------------|-----------|------|
| احساس تعلق | ۰/۶۰ | ۰/۴۶ | ۸/۷۹ | ۰/۰۰۰ | ۰/۹۷ | ۱/۰۲ |
| قدمت محله | ۰/۰۹ | ۰/۱۴ | ۲/۶۳ | ۰/۰۰۹ | ۰/۹۷ | ۱/۰۴ |
| میزان تحصیلات | ۰/۰۹ | ۰/۱۴ | ۲/۶۲ | ۰/۰۰۹ | ۰/۹۲ | ۱/۰۸ |

مدل تحلیل مسیر

در نهایت پس از تحلیل هم بستگی متغیرها و برازش مدل‌های رگرسیونی مقدمات لازم جهت آزمون مدل معادلات ساختاری نظری مشارکت شهروندان فراهم شد. مدل ساختاری برازش شده توسط داده‌های تحقیق در سطح مناسبی از نظریه‌ها و تحقیقات انجام شده حمایت کرده و مدل مناسبی برای تبیین مشارکت شهروندان محسوب می‌شود (جدول ۲۸)؛ زیرا، اولاً، کای اسکوایر مدل معنادار نبوده و مقدار $RMSEA^{10}$ نیز نزدیک صفر است. ثانیاً، شاخص‌های برازش نسبی NFI^{11} و برازش مطلق $GFI, AGFI^{12}$ در سطح مناسب و قابل قبولی هستند. بنابراین می‌توان گفت که مدل معادلات ساختاری برازش شده مدل مناسبی برای تبیین تغییرات مشارکت شهروندان محسوب می‌شود.

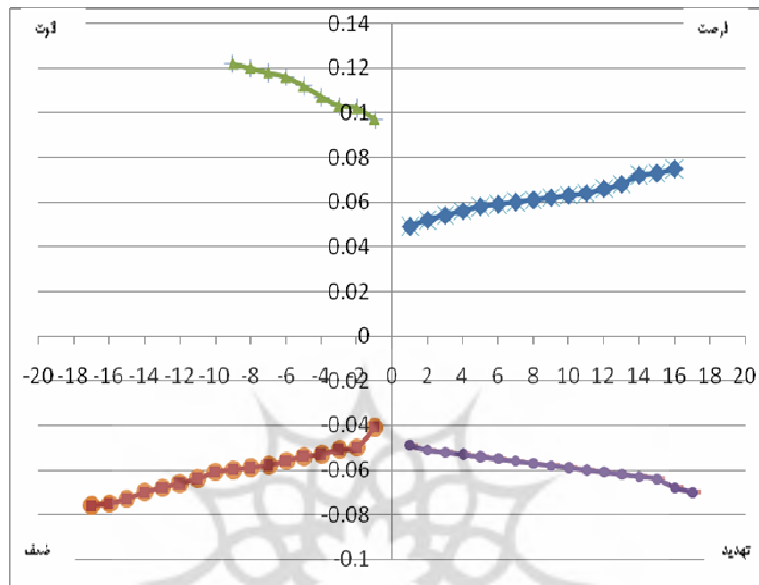
همانطور که نتایج جدول (۲۸)، نشان می‌دهد با احتساب اثرات مستقیم و غیرمستقیم احساس تعلق بر میزان مشارکت از سایر متغیرها بیشتر شده است و بنابراین با توجه به مدل تحلیل مسیر، احساس تعلق بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت دارد. همچنین با توان دو رساندن اثرات کل، ضریب تعیین هر متغیر به دست می‌آید و با جمع کردن ضرایب تعیین ضریب تعیین کل متغیرهای مستقل $0/۲۵۵$ به دست می‌آید. بنابراین متغیرهای مستقل ما توانسته است با استفاده از مدل تحلیل مسیر ۲۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند و ۷۵ درصد دیگر مربوط به عواملی غیر از متغیرهای پژوهش حاضر می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۹- ریشه میانگین مجذور پس‌مانده‌ها در صورتی که کمتر از $0/۰۵$ باشد نشان از برازش مطلوب دارد و وقتی برابر با صفر است که مدل به گونه‌ای کامل برازش یافته باشد.

۱۰- بنتلر و بونت (۱۹۸۰) مقادیر NFI را برابر یا بزرگ‌تر از $0/۹۰$ را در مقایسه با صفر، به‌خوبی برای برازندگی مدل‌های نظری توصیه کرده‌اند.

۱۱- مقدار GFI و $AGFI$ باید برابر یا بزرگ‌تر از $0/۹۰$ باشد تا مدل مورد نظر پذیرفته شود.



شکل (۱) مدل تحلیل مسیر با استفاده از لیزرل

Chi-square=۲/۲۷ DF=۴ p-value=۰/۶۸۶۰۶ RMSEA=۰/۰۰

GFI=۱ AGFI= ۰/۹۹ NFI= ۰/۹۹

RMSEA (Root Mean Square Error of Approximation), NFI (Normed Fit Index), GFI (Goodness of Fit Index), AGFI (Adjusted Goodness of Fit Index)

جدول (۲۸) اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر میزان مشارکت شهروندان

| متغیر | اثر مستقیم | اثرات غیرمستقیم | اثر کل | ضریب تعیین |
|-------------|------------|--|--------|------------|
| تحصیلات | ۰/۱۴ | $-۰/۳۲ \times ۰/۲۱ \times ۰/۴۶ = -۰/۰۳۰$ $-۰/۱۷ \times ۰/۴۶ = -۰/۰۷۸$ | ۰/۱۰۸ | ۰/۰۱۱ |
| میزان رضایت | - | $۰/۲۱ \times ۰/۴۶ = ۰/۰۹۶$ | ۰/۰۹۶ | ۰/۰۰۹ |
| احساس تعلق | ۰/۴۶ | - | ۰/۴۶ | ۰/۲۱۱ |
| درآمد | - | $۰/۳۰ \times ۰/۲۱ \times ۰/۴۶ = ۰/۰۲۸$ $-۰/۱۴ \times ۰/۴۶ = -۰/۰۶۴$ | -۰/۰۷۲ | ۰/۰۰۵ |
| قدمت سکونت | ۰/۱۴ | - | ۰/۱۴ | ۰/۰۱۹ |

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تجربی تحقیق حاضر نشان می‌دهد که میزان مشارکت شهروندان بر حسب جنسیت پاسخگویان متفاوت است. مبنای اصلی تفسیر آزمون t ، بوده است. میزان مشارکت مردها با میانگین $۴۸/۶۵$ از میزان مشارکت زن‌ها با میانگین $۴۴/۲۲$ به‌طور معنادار بالاتر بوده است. این یافته پژوهشی، با نتیجه حاصل از تحقیق رضادوست و دیگران (۱۳۸۸) مبنی بر عدم وجود رابطه بین جنس و مشارکت، مشابه و همسو نبوده است. در کشورهای در حال توسعه، مشارکت شهروندان و آحاد مردم در امور شهری با چالشی جدی روبروست. در این گونه جوامع، شهروندان به‌طور عام و زنان به‌طور خاص به سبب عقاید و باورهای سنتی و کلیشه‌ای، برای ورود به حوزه عمومی و مشارکت در امور و مسایل اجتماعی و شهری با گونه‌ای انسداد اجتماعی مواجه‌اند و عمده زندگی و فعالیت آن‌ها در حوزه خصوصی همچون خانه و منزل مسکونی تعریف شده است.

آزمون t معناداری بین وضعیت تأهل و میزان مشارکت را با سطح اطمینان $۰/۹۹$ نشان می‌دهد. میانگین مشارکت برای مجردان ($۴۳/۲۲$) و برای متأهلان ($۴۸/۱۵$) می‌باشد و این نشانگر آن است که میزان مشارکت نزد متأهلان نسبت به مجردان بیشتر است. یافته مزبور با نتایج تحقیقات کلدی (۱۳۸۱)، و رضادوست و دیگران (۱۳۸۸) همسویی داشته است.

نتایج حاصل از آزمون F نشان می‌دهد که میزان مشارکت شهروندان بر حسب وضعیت فعالیت آن‌ها متفاوت است. کارمندان واجد بیشترین میزان مشارکت و دانشجویان و گزینه سایرین واجد کمترین میزان مشارکت بوده‌اند. احتمال این وجود دارد که متغیر میزان تحصیلات و درآمد در اینجا به‌عنوان متغیر واسطه وارد عمل شده باشد و در نتیجه ارتباط متغیر میزان مشارکت با نوع فعالیت افراد، رابطه کاذب بوده باشد. به هر حال، اشخاص کارمند با توجه به میزان تحصیلات، امنیت شغلی، آشنایی با قوانین و مقررات شهری، داشتن روحیه مشارکت و همکاری، آشنایی به حقوق و وظایف شهروندی و... نقش پر رنگی در مشارکت امور شهری داشته و نسبت به سایرین در جایگاه بالاتری قرار دارند.

همچنین داده‌های تحقیق بر اساس آزمون F نشان داده است که میزان مشارکت افراد بر حسب نوع مالکیت از هم متفاوت است. به این صورت که، میزان مشارکت در افراد با مالکیت شخصی دارای بیشترین نمره و میزان مشارکت در افراد با مالکیت اجاره‌ای و سازمانی دارای پایین‌ترین نمره بوده است. این یافته دارای علتی روانشناختی است؛ زیرا انسان به چیزی و یا جایی که به او تعلق نداشته باشد، اصولاً احساس قلبی و تعهد درونی و عمیق نمی‌تواند داشته باشد و در نتیجه نسبت به آن بی‌تفاوت و بی‌احساس می‌ماند.

نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که بین ارزش منطقه‌ای و میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد. مناطق مختلف شهری، سکونتگاه افرادی است که از حیث خصوصیات و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با یکدیگر اشتراک نسبی دارند. در مناطق به اصطلاح بالای شهر با ارزش منطقه‌ای بالا، افرادی ثروتمند و متمول و از لحاظ اجتماعی دارای شبکه‌های گسترده اجتماعی و از حیث فرهنگی دارای سطح بالای سواد و آگاهی جای گرفته‌اند. اما مناطق پایین شهر و علی‌الخصوص حاشیه شهرها، افرادی را در خود جای داده است که از لحاظ سطح سواد، ثروت و امکانات مادی، شبکه‌های اجتماعی و... در سطح نازلی قرار دارند. در همین چشم‌انداز، محققان و جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو، به ترکیب نظریه تضاد اسمایلز با بینش «اکولوژیک» از شهر به منزله یک محیط مادی دست زدند. این تبیین اکولوژیکی توسط هارلان باروس (۱۹۲۳)، جغرافی دان شیکاگو ساخته و پرداخته شد. وی بر این نکته تأکید داشت که تعاملات گروه‌های اجتماعی را می‌توان با استفاده از ایده‌های رقابت، توالی، انتخاب ناشی از بیولوژی، که البته مستلزم توجه و ملاحظه محیط فیزیکی نیز هست، بررسی کرد. گروه‌های اجتماعی از نگاه جامعه‌شناسان شیکاگو، بر سر منابع و فرصت‌هایی که توسط فضای شهری فراهم می‌آید، با یکدیگر وارد نزاع شده و ساخت ریخت‌شناختی شهر، اساساً از منازعه گروه‌های اجتماعی برای تلاش و تقلا به منظور کسب امتیازات بیشتر از محیط مادی حاصل می‌شود. در تحقیق حاضر نیز مناطق بالای شهر نظیر منطقه ولیعصر، نسبت به دیگر مناطق شهری (باغ‌میشه، سیلاب و یاغچیان) دارای میزان مشارکت بیشتری بوده است. این واقعیت می‌تواند ناشی از میزان رفاه و سطح اجتماعی فرهنگی آن‌ها باشد.

یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بین میزان مشارکت و سن پاسخگویان رابطه مستقیم و نسبتاً متوسطی (۰/۲۸) برقرار است. این رابطه در سطح ۰/۰۱ معنادار بوده و لذا می‌توان با ۹۹ درصد اطمینان نسبت به درستی و صحت این رابطه مدعی بود. این یافته با پژوهش علوی تبار (۱۳۷۹) هماهنگی و سنخیت داشته است؛ افراد کم سن و سال در قیاس با سایرین، بنابه دلایل اجتماعی و روان‌شناختی در مشارکت امور شهری میل و رغبت چندانی از خود نشان نمی‌دهند و در احساس مسؤولیت نسبتاً کمتری دارند.

داده‌های تحقیق از عدم رابطه بین درآمد با میزان مشارکت حکایت دارد. یعنی هم تغییر و نظم و ترتیب مشخصی بین نمره درآمد و نمره مشارکت وجود نداشته است. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که میزان مشارکت تحت تأثیر میزان درآمد افراد قرار ندارد و میزان درآمد در مشارکت یا عدم مشارکت افراد نقش چندانی ایفا نمی‌کند. اندازه ضریب همبستگی ۰/۱۲ و سطح معناداری این آزمون ۰/۰۷ بوده که بر همین اساس می‌توان ادعا نمود که ارتباط معناداری بین این متغیر وجود ندارد. این یافته نیز در تقابل با یافته‌های تحقیقی علوی تبار (۱۳۷۹)، تقوی و همکاران (۱۳۸۵)، هیرشی و رنک (۱۹۹۹)، و ریوری (۲۰۰۵) قرار می‌گیرد.

یافته‌های حاصل از مدل تحلیل مسیر نشان می‌دهد که رابطه و همبستگی قابل قبولی بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری با میزان رضایت از عملکرد شهرداری وجود ندارد. رضایت از عملکرد شهرداری در پاره‌ای از تحقیقات بر میزان مشارکت شهروندان اثرگذار بوده است. این رابطه می‌تواند بواسطه همراهی با دیگر متغیرها به وجود آمده باشد؛ به این معنا که این امکان وجود دارد که این رابطه از نوع روابط کاذب بوده باشد و متغیر دیگری در اصل، موجب معناداری این متغیر بوده باشد. به هر ترتیب، در تحقیق حاضر رابطه معناداری بین متغیر میزان رضایت از عملکرد شهرداری و میزان مشارکت شهروندان مشاهده نشد.

همبستگی احساس تعلق به منطقه سکونت و میزان مشارکت شهروندان با ضریب همبستگی نسبتاً بالا و سطح معناداری ۰/۰۱ مورد تأیید تجربی قرار گرفت. ایجاد حس تعلق

اجتماعی که در نتیجه مشارکت مردم در فعالیت‌های اجتماعی حاصل می‌شود، سبب می‌گردد که مردم از حالت انفعالی و غیرمتعهد خارج شده و نقش فعالی در اجتماع به عهده بگیرند. از یک نقطه نظر اجتماعی مزیت اصلی مشارکت عبارت است از فعال کردن جمعیت شهری‌ای که تمایل به جدایی از دیگران و غیرمتعهد بودن و در موارد افراطی بیگانه بودن با اجتماع دارند و در این فرایند به طور همزمان یک روحیه اجتماعی و یک حس تعاون و درگیر شدن را ارتقا می‌بخشد.

ثبات مسکونی را محققان به عنوان یک عامل ایجادکننده سرمایه اجتماعی به حساب می‌آورند. در این زمینه میزان اقامت در شهر و مهاجر بودن یا نبودن در میزان سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است. بر اساس الگوی نظام مند، ثبات ساکنان در تبیین پیوندهای اجتماعی با یکدیگر، عامل کلیدی به حساب می‌آید. در این زمینه روس و دیگران، آدامز و سرپی، پاتنام، لاساردا و جان ویتز، سامپسون و گراوز معتقدند که اقامت طولانی و مالکیت منزل مسکونی شناخت همسایه‌ها را از یکدیگر بیشتر می‌کند، تعداد دوستان را در همسایگی افزایش می‌دهد و مشارکت در رخدادهای محلی را تقویت می‌کند. در مقابل، تحرک ساکنان موجب اختلال در شبکه روابط اجتماعی اجتماع می‌شود. افراد در اجتماعات بی‌ثبات فرصت کمتری برای تماس‌های اجتماعی دارند. به دلیل آگاهی از شرایط متغیر و آگاهی از این امر که دوستی‌ها دوام زیادی نخواهند داشت، آن‌ها تمایل و انگیزه‌ای برای ایجاد دوستی‌های محلی از خود نشان نمی‌دهند. هرچند تحرک ساکنان از گسترش شبکه‌های اجتماعی محلی جلوگیری می‌کند، تأثیر عامل مذکور بر روابط فرامحلی و پل‌های بیرونی مثبت است. محلات و همسایگی‌هایی که با سطح بالایی از تحرک و جابجایی مشخص می‌شوند، در مقایسه با همسایگی‌های باثبات‌تر، تمایل بیشتری برای حفظ پل‌های بیرونی دارند. خانواده‌ها هنگام تغییر محل سکونت تمایل دارند تماس‌های خود را با گروه‌های اولیه که به آن تعلق دارند و در اجتماع مبدأ زندگی می‌کنند، حفظ کنند. فردی که در چند اجتماع مختلف زندگی کرده است، در مقایسه با کسی که همه عمر خود را در یک مکان گذرانده، فرصت‌های بیشتری برای ملاقات با افراد مختلف پیدا می‌کند که می‌تواند به آشنایی و دوستی با آن‌ها بینجامد.

درباره تأثیر ثبات مسکونی بر سرمایه اجتماعی محله تحقیقات زیادی انجام شده است و وجود رابطه بین آن‌ها را تأیید می‌کند که از آن جمله، تحقیقات کوهن این یافته را تأیید می‌کند. همچنین در شیکاگو، اجتماعی که در آن‌ها میزان مالکیت مسکونی بالاست سطوح بسیار بالاتری از «کارایی جمعی» را به نمایش می‌گذارند. در تحقیق حاضر، فرض فوق به نحو تجربی اثبات شد و روشن شد که مدت سکونت در یک محل بر میزان مشارکت ساکنان آن محل، تأثیر مثبت و مستقیم می‌گذارد. به موازات افزایش مدت سکونت در یک محل، میزان تعاملات افراد با اعضای جامعه و محیط پیرامونی افزایش می‌یابد و از رهگذر تحقق الگوی روابط اجتماعی، احساس تعهد قلبی و درونی شکل می‌گیرد و احساس تعهد و تعلق نیز ضریب مشارکت اجتماعی را افزایش می‌دهد.

در تحقیق حاضر، در خصوص رابطه تحصیلات با میزان مشارکت شهروندان مشاهده گردید که تحصیلات با میزان مشارکت شهروندان رابطه‌ای معنادار ندارد: $\text{Sig} = 0/14$ ، ولی در تحلیل رگرسیونی، تحصیلات با بتای (0/14) به‌طور مستقیم (مثبت) در مدل رگرسیونی بر میزان مشارکت شهروندان تأثیرگذار بوده است (احتمالاً همراه شدن تحصیلات با دیگر متغیرها همچون سن و درآمد، ... باعث معنادار شدن و همبستگی آن شده است، یا می‌توان گفت تحصیلات در حالت مقایسه‌ای خارج از گروه متغیرهای دیگر بی‌معنا و بی‌تأثیر بوده، ولی همراه شدن آن با متغیرهای دیگر تأثیر معناداری بر میزان مشارکت شهروندان گذاشته است). به هر ترتیب در تحلیل نهایی تحصیلات پاسخگویان باید گفت: متغیر تحصیلات در شرایط فردی و مجزا دارای نقشی خنثی و در رابطه با دیگر متغیرهای تحقیق دارای نقشی مثبت در میزان مشارکت شهروندان است. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش علوی تبار (۱۳۷۹)، تقوی و همکاران (۱۳۸۵) و رضادوست و دیگران (۱۳۸۸) هماهنگی داشته است.

منابع

- ۱- اوکلی، پیترو و دیوید بارسون (۱۳۷۰). «*رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی*»، مترجم: منصور محمدنژاد، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.
- ۲- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، «*موانع توسعه سیاسی در ایران*»، تهران: انتشارات کیمیا.
- ۳- پیران، پرویز (۱۳۷۸)، «مشارکت اجتماعی فقدان آن در گذشته ایران و ضرورت آن در شرایط حاضر»، *نشریه آبان*، شماره ۴ (بهار).
- ۴- تقوایی، مسعود؛ بابانسیب، رسول و چمران موسوی (۱۳۸۸): «*تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری مطالعه موردی: منطقه‌ی ۴ شهر تبریز*»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال اول، شماره دوم (پاییز).
- ۵- تقوی، نعمت‌الله و کمال کوهی (۱۳۸۵)، «*بررسی عوامل و زمینه‌های مشارکت مردم در توسعه منطقه‌ای شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی*»، تبریز: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی.
- ۶- حبیبی، سیدمحسن و هادی سعیدی‌رضوانی (۱۳۸۴)، «*شهرسازی مشارکتی، کاوش نظری در شرایط ایران*»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲۴ (زمستان).
- ۷- رضادوست، کریم؛ حسین‌زاده، علی‌حسین و حمید عابدزاده (۱۳۸۸)، «*بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان، جامعه‌ی شهری شهر ایلام*»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره پیاپی (۳۵)، شماره‌ی ۳ (پاییز).
- ۸- رضویان، محمدتقی (۱۳۸۱)، «*مدیریت عمران شهری*»، تهران: پیوند نو.
- ۹- سعیدی‌رضوانی، هادی (۱۳۸۵): «*عملیاتی کردن شهرسازی مشارکتی در شرایط ایران، نمونه قطعه آبکوه مشهد*»، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲۸ (زمستان).
- ۱۰- سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۷۲): «*مشارکت و برنامه‌ریزی توسعه*»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۱- شریفیان‌ثانی، مریم (۱۳۸۰): «*مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری*»، *فصلنامه پژوهشی-تحلیلی-آموزش مدیریت شهری*، سال دوم، شماره ۷ (زمستان).

- ۱۲- شکوئی، حسین (۱۳۷۹): «دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری»، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۳- شبیانی، ملیحه (۱۳۸۱): «تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۳ (پاییز).
- ۱۴- علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹): «الگوی مشارکت در جامعه مردم‌سالار»، *ماهنامه شهرداری‌ها*، سال اول، شماره ۸ (آبان).
- ۱۵- علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۲): «الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، یافته‌های تجربی و راهبردها»، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- ۱۶- فردرو، محسن و رضوانی، اصغر (۱۳۸۱). «دولت، مردم و همگرایی (مشارکت، توسعه و زمینه‌های گسترش مشارکت سیاسی)»، *منتخب مجموعه مقالات گردهمایی دولت و مشارکت مردمی*، جلد دوم، تهران: آن.
- ۱۷- کلدی، علیرضا (۱۳۸۱)، «بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری در منطقه هفت تهران»، *فصلنامه جمعیت*، سال دهم، شماره ۴۲ (زمستان).
- ۱۸- لاکویان، آپرودیسو (۱۳۶۴)، «*خانه‌سازی در جهان سوم*»، مترجم: مینو رفیعی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۹- مخبر، عباس (۱۳۶۱)، «*برنامه‌ریزی محلی و توسعه روستایی*»، تهران: سازمان برنامه‌بودجه.
- ۲۰- مطوف، شریف (۱۳۷۷)، «گروه‌های اجتماعی، تشکل‌های محلی و شوراهای اسلامی»، *فصلنامه پژوهش*، پیش شماره دوم، تهران: پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
- ۲۱- مطوف، شریف (۱۳۷۸)، «نقش مشارکت مردم در برنامه‌ریزی توسعه کشور»، *فصلنامه پژوهش*، پیش شماره سوم، تهران: پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.
- ۲۲- موسی کاظمی محمدی، سیدمهدی (۱۳۸۰): «توسعه پایدار شهری: مفاهیم و دیدگاه‌ها»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۱۶، پیاپی ۶۲ (پاییز).
- ۲۳- مهدیزاده، جواد (۱۳۸۰)، «به‌سوی شهرسازی دموکراتیک»، *فصلنامه مدیریت شهری*، سال دوم، شماره ۵ (بهار).

- ۲۴- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰)، «جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت»، *فصلنامه پژوهشی-تحلیلی-آموزشی مدیریت شهری*، سال دوم، شماره ۵ (بهار).
- ۲۵- نیازی، محسن (۱۳۸۱)، «تیین موانع مشارکت اجتماعی در شهر کاشان»، پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- ۲۶- یاور، بیژن (۱۳۸۰)، «شهرسازی مشارکتی و جایگاه مشارکت مردم در شهر ایران، واقعیات، اهداف و استراتژی‌ها»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، گروه شهرسازی.
- 27- Balogun, M.J. (2000), "The Scope for popular Participation in Dicalentralization, Community Governance and Development", *Regional Developmen Dialogue* (RDD), Vol. 2, No. 1 (Spring).
- 28- Baum, H. (2001), "Citizen Participation", *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciencespp*, PP: 1840-1846.
- 29- Brown, Rebecca, and Harris, Glenn (2005), "Co Management of Wildlife Corridors: The Case for Citizen Participation in the Algonquin to Adirondack Proposal", *Journal of Environmental Management*, No. 74, PP: 97-106.
- 30- Chatterjee, Gautam (1991), "Community Participation in Dharavi Re Development Project-Bombay", Newsletter, *Journal of Institue for Housing and Urban Development Studies*, Vol. 6, No. 1, Rotterdam.
- 31- Dutta, A.K. & P.K. Jena (1992), "Peoples Participation in Development process Role of Education", *ITPI Journal*, Vol. 11, No. 1 (September).
- 32- Grinvik, Madelein (2005), "Implementation of the Habitat Agenda in Local Communities: Late Modern living Conditions and Residentds, Time for and Real Action in Citizen Participation in a Swden and Russian Context (Dissertation)", *Sveriges Lantbruksuniversitet* (Sweden).

- 33- Haralambos, M., M. Halborn and R. Heald (2004), "*Sociology, Thems and Perspectives*", Six Editions, London: Harpercollins.
- 34- Hester, R.T. (1984), "*Planning Neighborhood Space with People*", Second Edition, New York: Van Nostrand Reinhold.
- 35- Hirschl, T.,A. & Mark, R. Rank (1999), "Community Effects on Welfare Participation", *Sociological Forum*, Vol. 14, No. 1 (March), PP: 155-174. (<http://www.jstor.org>).
- 36- Marshall, Percy Johnson (1966), "*Rebuilding Cities*", Edinburg: University Press.
- 37- Motawef, Sharif (1998), "Planning for Integrated Local Community Development in Heigh Centralized Country", Unpublished Paper, Presented in the Seminar on Integrated Development Planning, Dhaka: Bangladesh.
- 38- Omiya, P., J. (2000), "Citizen Participation for Good Governance and Development at the Local Level in Kenya", *Regional Development Dialogue* (RDD), Vol. 21, No. 1 (Spring).
- 39- Oosthuizen, A.J.G. (1984), "*Participation in the Planning and Development Areas Cites*", Hampshire: Gower Publishing Compeny.
- 40- Ratcliffe, J. (1985), "*Town and Country Planning*", Linder Huthinson.
- 41- Rebori, M.K. (2005), "The Effectiveness of Citizen Participation in Local Governance: A Case Study of Citizen Advisory Boards", (Dissertation), University of Nevada.
- 42- Rose, Trent, M. (2006), "Measuring Civic Engagement in Idaha Falls" (Dissertation), Idaho State University.
- 43- Salazar, Alex (1999), "Disasters, the World Bank and Participation", *Third World Planning Review* (TWPR), Vol. 21, No. 1.
- 44- Schubler, Peter (1996), "Participation and Partnership in Urban Infrastructure Management", *Urban Management and*

- Infrastructure* 19, Published for Urban Management Programme by World Bank, Washington, D, C.
- 45- Sharma, K.C. (2000), "Popular Participation for Good Governance and Development at the Local Level, The Case of Botswana", *Regional Development Dialogue* (RDD), Vol. 21, No. 1 (Spring).
- 46- Shirvani, H. (1985), "*The Urban Design Process*", Newyork, Van Nostrand Reinhold.
- 47- Silverman, R.M. (2006), "Central City Socioeconomic Characteristics and Public Participation Strategies, a Comparative Analysis of the Niagara Falls Region's Municipalities in the USA and Canada", *International Journal of Sociology and Social Policy*, Volume 26, Number 3/4 2006, PP: 138-153.
- 48- Togeby, Lise (2004), "It depends... How Organizational Participation Affects Political Participation and Social Trust among Second Generation Immigrants in Denmark", *Journal of Ethnic and Migration Studies*, Vol. 30, No. 3, PP: 509-528.
- 49- Turner, J.F.C (1976), "*Housing by People: Towards Autonomy in Building Environment*", London: Marion Boyars.
- 50- UNCHS (Habitat) (1987), "The Role of Community Participation in Human Settlements Work", Nairobi.
- 51- Wittick, A. (1979), "*Encyclopedia of Urban Planning*", Newyork: MacGraw Hill.
- 52- Susskind, Lawrence & Michael Elliott (1984), "Paternalism, conflict and Coproduction: Learning from Citizen Action and Citizen Participation in Western Europe", *Cities, Communities and Planning in the 1980*, Hampshire: Gower Publishing Company.